

تاملی در مفهوم «چالش»

واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی - فرهنگی ایران

علی ذوعلم

Challenge در زبان انگلیسی

در فرهنگ Webster ذیل واژه Challenge، دو معنی ذکر شده است:^۱

۱- a defiance نافرمانی، تمرد، اعتراض.

۲- a call to combat دعوت به مبارزه (مبارزه طلبی) اما فرهنگ لغات BBC، واژه Challenge را چنین معنی کرده است:^۲

1-A Challenge is something new and difficult which will require great effort and determination.

2-A Challenge to something is a questioning of its truth, value, or authority.

بنابراین، Challenge به «وضعیت و پدیده‌ای جدید و دشوار که مواجهه با آن تلاشی سخت و تعیین کننده را ایجاد کند» اطلاق می‌شود و در حالت مصدری، به معنی «زیرسوال کشیدن و ایجاد تردید در امری است از جنبه حقیقت، ارزش یا قدرت و توان آن»

معادل یابی برای Challenge در زبان فارسی

فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی، واژه Challenge را «به مبارزه طلبیدن» و «به چالش خواستن» ترجمه کرده و Challenger را به «حریف» معنی نموده است.^۳

نقد و بررسی

گرچه چالش و Challenge به لحاظ تلفظ به هم نزدیکند - و چه بسا از ریشه مشترک هندو و اروپایی برخوردار باشند - اما این دو لفظ، به لحاظ معنا قرابت کمتری در قیاس با قرابت لفظی دارند؛ چنان که برخی معانی «چالش»، در معانی مذکور برای Challenge اصلا وجود ندارند. علاوه بر آن که معنی «چالش» در زبان فارسی، در خلال معانی مذکور برای لغت Challenge ناحدودی به صورت تضمینی وجود دارد و اما مفهوم Challenge در معنای مستفاد از «چالش» به صورت التزامی دیده می‌شود.

واژه «چالش» می‌باشد. کاربرد این واژه تا اواسط دهه ۱۳۷۰ش چندان رایج نبود. این واژه در لغت‌نامه‌های فارسی ضبط و معنی شده است. اما کاربرد رایج و امروزی آن، با معانی لغت‌نامه‌ای آن تفاوت دارد. غالباً «چالش» را معادل Challenge تلقی می‌کنند. حال آن که تاملی در کاربرد این واژه در متون و محاورات، نشان می‌دهد معانی متفاوت و مختلفی از این لفظ مورد نظر بوده که با معنای Challenge انطباق کامل ندارند. بنابراین تحدید و تنقیح معنای «چالش»، به‌ویژه برای کاربرد در مباحث و پژوهشهایی که به منظور بررسی «چالشها» در عرصه‌های گوناگون انجام می‌شوند، ضروری به نظر می‌رسد؛ چنان که بدون آن، موضوع و محور اصلی پژوهش مبهم خواهد بود.

معنای چالش در زبان فارسی

فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، «چالش» را برگرفته از لغت «چال» - به معنی گودال، آشیانه مرغ، عمیق - ذکر می‌کند؛ و برای «چالش» نیز سه معنی برمی‌شمارد: ۱- رفتن باناز و خرام، جولان ۲- مباشرت، جماع ۳- زد و خورد، جنگ و جدال سپس فعل «چالش کردن» را به «زد و خورد کردن» و «جنگ و جدال کردن» معنی می‌کند.^۴

اما لغت‌نامه دهخدا احتمال می‌دهد که چالاک و چالش هر دو از «چال» - به معنی رفتار - باشند. دهخدا با شهادت آوردن این بیت مولوی که می‌گوید: «چالش است این لوت خوردن نیست این / تا تو برمالی به خوردن آستین»، چالش را به معنی جنگ و جدال، حمله و یورش می‌داند و علاوه بر معنای ذکر شده در فرهنگ معین، تلاش، کشتی و مصارعت را هم ذیل معنای «چالش» ذکر می‌کند.^۵

برخی معنای چالش، از کاربرد رایج و امروزی آن بسیار غریب و دور هستند. نزدیک ترین معنای، جدال، تلاش و یورش می‌باشند که آنها را نه به صورت تطابقی، بلکه به شکل التزامی یا تضمینی در کاربرد چالش می‌توان ملاحظه کرد

از رنجهای علوم انسانی، یکی هم ابهام و بی‌دقتی در به کارگیری اصطلاحات است. به گونه‌ای که گاه برداشت نادرست از یک اصطلاح ممکن است موجب بحثهای بی‌ریشه و محاجات بی‌ربط گردد.

برای ایجاد صراحت و شفافیت در موضوع پژوهشها و ایجاد همخوانی و هماهنگی بیشتر در متون علمی، کاملاً بدیهی است که واژه‌شناسی رکن اولیه و کلید ورود به مباحث خواهد بود؛ چنانکه بدون سعی در واژه‌شناسی علم، به‌ویژه در علوم انسانی، نه تنها محور اصلی پژوهشها دستخوش اغلاط بیهوده می‌گردد، بلکه گاهی نتیجه مطالعات علمی را به قدری از یکدیگر دور می‌کند که نمی‌توان باور کرد این همه اختلاف در زاویه دید و بینش علمی، صرفاً از کم‌اهمیت دانستن تحلیل اولیه واژگان کلیدی پژوهشها ناشی شده باشد. یک واژه علمی، صرف‌نظر از ریشه‌یابی زبانشناسانه و نیز تعاریف متعدد فرهنگ‌نامه‌ای، در هر شاخه علمی کاربرد خاص خود را دارد که ضرورت توجه بایسته به آن، به‌ویژه به هنگام عاریت‌گیری کلمه و یا ترجمه، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. اخیراً در متون فارسی، به‌ویژه در متون مربوط به علوم سیاسی و روزنامه‌نگاری، واژه چالش بسیار کاربرد یافته است اما به نظر می‌رسد درک چندان واحد و مشترکی از این کلمه، که توأم بر آگاهی متقن علمی باشد، وجود ندارد؛ کما آنکه در خصوص کلماتی نظیر گفتمان نیز همین‌طور است. مقاله پیش‌رو، سعی می‌کند مفهوم دقیق واژه «چالش» را ارائه دهد. اما مطمئناً این واژه تنها موردی نیست که چنین کوششی را می‌طلبد و لذا بایسته است که فرهنگستان زبان فارسی، به‌عنوان نهاد مسئول در این زمینه، توجه خاصی را به چنین واژگانی مبذول دارد تا از تشتت فکری در عرصه‌های علمی و فرهنگی جامعه جلوگیری شود.



یکی از واژه‌هایی که به تازگی در ادبیات و مباحث اجتماعی در جامعه ما کاربرد فراوانی پیدا کرده است.



توضیح این که جنگ و جدال - البته نه همیشه، بلکه گاهی - مستلزم مبارز طلبی نیز هست اما مبارز طلبی یا مواجهه با وضعیتی جدید و سخت که به تلاش فراوان و سرنوشت ساز نیاز داشته باشد. مستلزم جنگ و جدال نیست.

بنابراین معادل دانستن Challenge و چالش در فرهنگ واژه‌ها، دقیق نیست، مگر این که معنی تازه‌ای برای چالش در زبان فارسی قرار داده شود و یا به عنوان یک اصطلاح در ادبیات اجتماعی، تعریف و تحدید گردد.

«چالش» در اصطلاح نامه‌ها

«فرهنگ علوم انسانی» در برابر Challenge واژه‌های «چالش»، «چالش‌گری» و «هماوردخواهی» را قرار داده است^۶ که چیزی بیش از ترجمه لغت نامه‌ای نیست.

در «فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی» واژه «چالش» اصلاً مطرح نشده است؛^۷ گرچه واژه‌های «بحران» و «مسئله اجتماعی» تا حدودی برخی مصادیق چالش را پوشش می‌دهد.

«فرهنگ علوم اجتماعی» نیز اصطلاحاتی از قبیل «بی‌سازمانی اجتماعی» و «نابسامانی اجتماعی» را تعریف کرده ولی از واژه «چالش» در این منبع نیز خبری نیست.^۸

عدم طرح و تعریف این اصطلاح در این فرهنگ‌های واژگان و اصطلاحات، در واقع از تازه بودن کاربرد این واژه در مباحث اجتماعی حکایت دارد و البته از همین جا نیز نشأت می‌گیرد.

پیشینه کاربرد «چالش» در مقاله‌ها و کتابها

همانگونه که اشاره شد، کاربرد واژه «چالش» در مباحث اجتماعی جامعه ما، از سابقه چندانی برخوردار نیست. مروری بر برخی نوشته‌ها و مجموعه مقالات - که در آنها تعبیر نزدیک به معنی مراد از واژه «چالش» فراوان به کار رفته‌اند - نشان می‌دهد که تانیمه‌های دهه گذشته (۱۳۷۰)، این واژه چندان کاربردی نداشته و از آن زمان به تدریج در آثار و گفته‌ها، نمود و رواج یافته است؛ چنان که اخیراً در عناوین و موضوع برخی کتابها و تحقیقات دیده می‌شود.

باین همه، در کتاب «فرهنگ‌شناسی» - مجموعه مقالاتی در سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ - واژه چالش اصلاً به چشم نمی‌خورد و در فرهنگ اصطلاحات پایان کتاب نیز ملاحظه نمی‌شود.^۹

در مجموعه مقالات «آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی»^{۱۰} و نیز مقالات گردهمایی «راهبردها و رویکردهای ساماندهی فرهنگی»^{۱۱} حتی یک مقاله که عنوان آن حاوی واژه «چالش» باشد، مشاهده نمی‌گردد.

البته موارد نادری از کاربرد این واژه در متن مقالات آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی دیده می‌شود.^{۱۲}

در کتاب «بیم‌ها و امیدها» نیز کاربرد «چالش» در اظهارات مصاحبه‌شوندگان - که اکثراً از چهره‌های روشنفکری و اجتماعی جناح موسوم به دوم خرداد هستند - خیلی نادر و انگشت شمار است، باینکه واژه‌های نزدیک به این واژه، فراوان به کار رفته‌اند.^{۱۳}

در مجموعه مقالات «تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران» تنها در عنوان یک مقاله از پنجاه و دو مقاله، لفظ «چالش» دیده می‌شود.^{۱۴} همچنین از مجموعه مقالات «مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (ج ۲)» تنها در عنوان مقاله «چالش‌های تربیت دینی»، این واژه استفاده شده است.^{۱۵}

از میان صدها مقاله و مطلب که در طول سال ۱۳۸۰ در «همشهری ماه» نگاشته شده، حتی یک مطلب که از واژه «چالش» در عنوان آن استفاده شده باشد، یافت نمی‌شود؛ گرچه این واژه در متن مقالات، به ندرت مشاهده می‌گردد.^{۱۶} البته در همین کاربردهای محدود نیز معانی گوناگونی از این اصطلاح، تلقی و اراده شده است.

مراد از «چالش» در کاربرد امروزی آن

تامل در کاربرد واژه چالش در متون فوق، نشان می‌دهد که معانی زیر از واژه مذکور مستفاد بوده است:

کاربرد واژه «چالش» در مباحث اجتماعی جامعه ما، از سابقه چندانی برخوردار نیست. مروری بر برخی نوشته‌ها و مجموعه مقالات - که در آنها تعبیر نزدیک به معنی مراد از واژه «چالش» فراوان به کار رفته‌اند - نشان می‌دهد که تا نیمه‌های دهه گذشته (۱۳۷۰)، این واژه چندان کاربردی نداشته و از آن زمان به تدریج در آثار و گفته‌ها، نمود و رواج یافته است

با استفاده از معنای لغوی «چالش» و Challenge و نیز برخی عناصر معنایی متبادر از کاربرد این واژه در ادبیات اجتماعی امروز ایران، تعریف زیر برای چالش قابل ارائه است:

«شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد»

- تعارض، جدال و تهافت^{۱۷}

- مانع و مشکل^{۱۸}

- آسیب و آفت^{۱۹}

علاوه بر این، به سراغ چند کتاب می‌رویم که واژه «چالش» در عنوان آن به کار رفته است:

کتاب «چالش‌های توسعه سیاسی» تعریف صریحی از چالش ارائه نکرده است ولی این واژه را به معنی کشمکش،^{۲۰} تناقض،^{۲۱} تقابل یا تعارض،^{۲۲} و نیز اختلاف و تهافت رای،^{۲۳} مدنظر قرار می‌دهد. ضمناً از عنوان برخی گفتارهای این کتاب می‌توان استفاده کرد که معنی «مانع» و «مشکل» نیز مورد توجه مولف بوده است.^{۲۴}

همچنین کتاب «چالش‌های کنونی ایران» تعریفی برای واژه چالش ارائه نکرده است اما از مقدمه مولف معلوم می‌شود که در کتاب او، از این واژه معانی دغدغه، سوال، بحران، مشکل، معضل، اشکال، درد و... مدنظر می‌باشد.^{۲۵} همچنین مجادله، نزاع نظری و زیر سوال بردن یک موضوع - که در معنای Challenge وجود دارد - نیز در این کتاب مورد استعمال قرار گرفته است.^{۲۶} مروری بر فصول کتاب مذکور و مصادیق «چالش»‌ها، نشان می‌دهد معنای موردنظر برای این تعبیر با معنای اصطلاحات بحران، مشکل، سوال، مساله، تعارض... قرابت زیادی دارد و واژه مذکور گاه مترادف با همین اصطلاحات به کار رفته است.

کتاب «انقلاب اسلامی، چالش‌ها و بحران‌ها»، چالش را مترادف آسیب و بحران به کار برده^{۲۷} (ص ۵)، اگرچه تعریف صریحی از خود این اصطلاح ارائه نکرده است. البته عناوین مصاحبه‌ها و مقالات این کتاب نشان می‌دهد که مراد از چالش‌ها، مشکلات، کاستیها، آسیبها و معضلات می‌باشد.

همچنین کتاب «چالش‌های ایران و امریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، چالش را به معنی تعارض، اختلاف و تنش - و شاید به‌طور ضمنی به معنی مبارزطلبی - به کار گرفته است.^{۲۸}

اما در کتاب «چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم»^{۲۹} نکات دقیقی درباره معنی چالش و تفاوت آن با واژه‌ها و اصطلاحات مشابه ذکر شده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

- تفکیک بین مسائل (problems) و چالش‌ها (Challenges) و این که چالش‌ها ناظر به عوامل بیرونی هستند و مسائل ناظر به عوامل درونی.^{۳۰}

- چالش‌ها امواجی‌اند که پیش روی ما قرار دارند.^{۳۱}

- هدف مطالعه چالش‌ها، رسیدن به راهبردهای عملی و نویدبخش است.^{۳۲}

- چالش‌ها با فرصت‌ها متفاوت‌اند ولی چالش می‌تواند به فرصت تبدیل شود.^{۳۳}

- چالش‌ها و خطرات متفاوت‌اند و یکی از اهداف بررسی چالش‌ها، کاهش خطرات است.^{۳۴}

- بحران‌های کنونی، می‌توانند نمایانگر چالش‌های فرا روی ما باشند.^{۳۵}

نکات فوق از جمله مواردی هستند که می‌توان آنها را در تدقیق و تنقیح معنای چالش، مورد استفاده قرار داد.

واژه‌های مشابه و همجوار

برای تعریف دقیق چالش در کاربرد امروزی آن، لازم است فهرستی از واژه‌های نزدیک، مشابه و همجوار این اصطلاح، ارائه شود تا بتوان در تعریف آن، مرزهای مفهومی را تعیین کرد.

واژه‌ها و مفاهیم متبادر به ذهن در کاربرد

عام و مترادف «چالش»

الف- واژه‌ها و مفاهیم ناظر به واقعیت و عینیت خارجی: بحران، آسیب، تهدید، خطر، معضل، آفت، کاستی، مانع، تنگنا (محدودیت)، انحراف، کمبود، ضعف (بستگی)، نیاز، فرصت، مشکل، مساله، اشکال، فتنه، کشمکش، تضاد، تعارض، تنش، تقابل، نزاع.

ب- واژه‌ها و مفاهیم ناظر به ذهنیت و حالات روحی:

سوال، شبهه، مباحثه، جدال، تحریف، دغدغه، ابهام، نگرانی، بیم، درد، دلمشغولی، تناقض، اشتباه، تردید، تهافت، اختلاف، کلنجار.

شاید با تنوع و تامل بیشتر، بتوان واژه‌ها و مفاهیم دیگری را نیز به این فهرست اضافه کرد

همانگونه که پیش‌تر ملاحظه شد، واژه چالش در کاربرد امروزی آن، مترادف با برخی واژه‌های فوق تلقی شده است. اما بالاخره باید روشن ساخت که آیا این واژه با یک یا چند واژه از واژه‌های فوق مترادف است یا معنای مستقل و متفاوتی دارد؟

البته می‌توان برای «چالش» معنای عام و گسترده‌ای را که شامل معنای همه یا اکثر واژه‌های فوق باشد، لحاظ کرد و در کاربرد آن بدون وسواس و دقت علمی، تسامح روا داشت، ولی به نظر می‌رسد این مسامحه و سخاوتمندی، نوعی آشفتگی زبانی را در پی خواهد داشت و غرض از تعدد و اختلاف واژه‌ها را - که انتقال مفاهیم و معنای مختلف و متفاوت است - نقض خواهد کرد.

تعریف معیار برای «چالش»

با استفاده از معنای لغوی «چالش» و Challenge و نیز برخی عناصر معنایی متبادر از کاربرد این واژه در ادبیات اجتماعی امروز، تعریف زیر برای چالش قابل ارائه است:

«شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد.»

خصوصیات «چالش»، در این تعریف عبارتند از:

۱- عینی بودن ۲- جدیدبودن وضعیت ۳- ناظر به آینده ۴- بیرونی بودن [و غیرارادی بودن آن] ۵- اقتضای تلاشی سخت و تعیین‌کننده [که ناشی از فراگیر بودن و به مبارزه‌طلبیدن کل جامعه است].

با حذف هرکدام از این خصوصیات، قلمرو معنایی «چالش» گسترش و تعمیم‌یافته و با برخی واژه‌های هم‌جوار، اشتراک پیدا می‌کند و تنها در صورت حفظ همه این خصوصیات است که واژه «چالش» بارمعنایی خاص و ویژه‌ای پیدا کرده و مرز آن با واژه‌های مشابه و

هم جوار حفظ خواهد شد البته این تعریف - اگر پذیرفته و در کاربردها رعایت شود - معنای اصطلاحی تازه‌ای برای «چالش» در زبان فارسی خواهد بود.

«چالش» به این معنی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قابل طرح است و به عرصه خاصی محدود نمی‌شود.

بنابراین:

- کاستیها، ضعفها، نارساییها، مشکلات و خلأهای داخلی، کنونی و ریشه‌دار را نمی‌توان چالش نامید.
- مسائل، پرسشها، شبهات و ابهامهای ذهنی و علمی که به‌طور طبیعی در طول زمان برای جامعه مطرح می‌شوند، چالش به حساب نخواهند آمد، مگر این که از نظر فراگیری و تاثیرگذاری، به وضعیت جدیدی تبدیل گردند که کل جامعه به مبارزه طلبیده شود.
- کشمکشها، تعارضها، اختلاف‌نظرها و کلنجارهای علمی و نظری درباره مدلها و راهکارهای حل مشکلات و مسائل، چالش شمرده نمی‌شوند.
- نمی‌توان هر چالشی را تهدید تلقی کرد و هر تهدیدی هم لزوماً چالش نیست.
- هر بحرانی چالش به حساب نمی‌آید ولی چالشها را می‌توان از بحرانیهای کنونی حدس زد.
- آسیبها، انحرافها و افتها فی‌نفسه چالش نیستند ولی می‌توانند نوانمندی جامعه را در رویارویی با چالشها تحت تاثیر قرار دهند.
- دغدغه‌ها، نگرانیها و دلمشغولی‌ها، از پیامدهای بروز چالشها به شمار می‌آیند ولی خود چالش شمرده نمی‌شوند.
- فتنه‌ها، چالش نیستند اما چالشها می‌توانند زمینه ظهور و بروز فتنه‌ها را فراهم کنند.
- چالشها، هم خطر آفرین‌اند و هم فرصت‌ساز؛ نه این که لزوماً خطر ساز باشند.
- موانع و محدودیتهای بیرونی و درونی به‌خودی‌خود چالش شمرده نمی‌شوند، ولی می‌توانند مولود چالشها باشند.

اقدامات بایسته در برابر چالشها

اگر مشکلات، بحرانیها و مسائل را باید حل کرد، موانع را باید برطرف ساخت، از آسیبها و افتها باید پیشگیری کرد یا آنها را زدود، پرسشها، شبهات و سوالات را باید پاسخ داد، خلأها و کاستیها را باید جبران کرد و تعارضها، تناقضها و کشمکشها را باید حل نمود... اما در برابر چالشها چه باید کرد؟

چالشها، قابل پیشگیری نیستند؛ زیرا - طبق تعریف - بیرونی‌اند و اجتناب‌ناپذیر. چالشها، قابل زدودن و برطرف کردن نمی‌باشند؛ چراکه وضعیتی جدید و عینی‌اند که با فراگیری خود، به جامعه هجوم می‌آورند. همانگونه که در کتاب «چالشهای فراروی آموزش عالی در هزاره سوم» مطرح شده است، با چالشها باید برخورد کرد^{۲۴} و این برخورد گاه به اقداماتی ماجراجویانه و خطرپذیر نیاز دارد.^{۲۷} در بررسی چالشها و مواجهه با آنها باید روندهای تاثیرگذار را شناسایی و

تحلیل کرد^{۲۸} و با تاثیرگذاری بر آنها، خطرات را کاهش داد. گاه می‌توان تهدیدهای بالقوه را به فرصتهای بالفعل تبدیل ساخت و از چالشهای ناخواسته، بستری برای پویایی و رشد فراهم کرد. گرچه چالشها موجب بیم می‌شوند، ولی همین بیمها و دغدغه‌ها، عوامل برانگیزنده‌ای برای دستیابی به راهبردهای نویدبخش خواهند بود.

چنانچه مواجهه با چالشها براساس مبانی فکری و چارچوب عملی و رفتاری مبتنی بر حقیقت، عقلانیت و منطق صورت گیرد، هرگز چالشها، به تهدید و بحران تبدیل و تأویل نخواهند شد و در ارتباط با آنها محلی برای نگرانی و یاس نخواهد بود. اگر فرازنشیبها و تحولات جوامع بشری، بخشی از روند تکاملی بشر تلقی شود و بروز چالشها، نه امری غریب و ناخواسته، که بخشی از برنامه کلان و طراحی معقول و منطقی سرنوشت جامعه قلمداد گردد، نوع نگاه به چالشها، تغییر یافته و هر چالشی، نویدبخش مرحله‌ای نوین در سیر تکاملی انسان تعبیر و تفسیر خواهد شد. بنابراین باید گفت نقش چارچوبهای فکری و بینشی در مواجهه با چالشها، بسیار مهم است.

نتیجه

هنگامی که سخن از چالشهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... به میان می‌آید، باید تعریف دقیقی از «چالش» و تفاوتهای آن با واژه‌ها و اصطلاحات مشابه مدنظر باشد تا حیطه بحث و کاوش، به‌صورتی شفاف و روشن تعیین گردد، اما کاربرد این واژه در ادبیات اجتماعی امروز ما، نشان نمی‌دهد که تعریف دقیق و تفکیک معنایی مورد نظر در این باره انجام شده باشد. بنابراین با توجه به: ۱- معنای چالش در متون ادبی زبان فارسی ۲- معنای Challenge در زبان انگلیسی ۳- برخی معنای موردنظر کاربران در کاربرد امروزی چالش ۴- عناصر معنایی واژه‌های نزدیک و شبیه «چالش» ۵- نیز با تامل و تدقیق در مختصات این واژه، تلاش کردیم تعریفی مشخص و شفاف از چالش ارائه دهیم: «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد». در این تعریف، چالشها ناظر به واقعیاتی عینی، جدید، معطوف به آینده و بیرونی‌اند که فراگیری و تاثیر آن، کل جامعه را به مبارزه می‌طلبند و تلاش سختی را برای پشت‌سرنهاندن آن می‌طلبند. با این تحدید و تعریف، میان معنی چالش و معنای تعبیری و اصطلاحات مشابه و نزدیک، تفکیک حاصل می‌شود و جامعیت و مانعیت آن تامین می‌گردد.

البته می‌توان معنای «چالش» را اعم از مشکلات و مسائل عینی و ذهنی، داخلی و خارجی، فراگیر و محدود، ریشه‌دار و جدید دانست که می‌تواند به اندازه‌های گوناگون حرکت متعادل جامعه را کند یا متوقف سازد و مستلزم تلاش و تدبیر برای چاره‌اندیشی باشد.

به‌نظر می‌رسد برای پیشگیری از خلط و مغالطه،

هنگام کاربرد این واژه به‌صراحت یا تلویح، باید معنای اخص یا اعم چالش را در مراد و منظر خود تعیین نماییم. ولو در کاربرد عادی و خطایی واژه‌ها، عدم دقت قابل اغماض باشد، مسلماً در کاربرد علمی و پژوهشی، این اغماض توجیه‌پذیر نخواهد بود. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمد معین، فرهنگ فارسی
- ۲- محمد دهخدا، لغت‌نامه
- 3 - Webster's Dictionary, New York, 1968
- 4 - BBC (English Dictionary), London, 1993
- ۵- محمد رضا باطنی، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۱
- ۶- داریوش آشوری، فرهنگ علوم انسانی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۴
- ۷- محمد آراسته‌خو، فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، تهران، چاپش ۱۳۸۱
- ۸- جولیس گولد و ویلیام ل کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ویراسته محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران، مازیار، ۱۳۷۶
- ۹- چنگیز پهلوان، فرهنگ‌شناسی پیام امروز، تهران، ۱۳۷۸
- ۱۰- گروه مولفان، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۹
- ۱۱- خلاصه مقالات گردهمایی راهبردها و رویکردهای ساماندهی فرهنگی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷
- ۱۲- آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، همان، صص ۴۴۱ و ۴۴۲
- ۱۳- محسن آرمین و حجت رزاقی (گردآورنده)، بیم‌ها و امیدها، تهران، همشهری، ۱۳۷۸، صص ۲۹۹
- ۱۴- تحقیق جامعه‌مدنی در انقلاب اسلامی ایران (مجموعه مقالات)، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶
- ۱۵- مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (مجموعه مقالات)، ج ۲، قم، دبیرخانه دین پژوهان کشور، ۱۳۸۰
- ۱۶- همشهری ماه، سال اول، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۷- آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، همان؛ محسن آرمین و حجت رزاقی، همان
- ۱۸- تحقیق جامعه‌مدنی در انقلاب اسلامی ایران، همان، صص ۴۸۳ و ۴۸۸
- ۱۹- مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، همان، صص ۲۵۴، ۲۱۲
- ۲۰- عبدالعلی قوام، چالش‌های توسعه سیاسی، تهران، قومس، ۱۳۷۹، صص ۸
- ۲۱- همان، صص ۹
- ۲۲- همان، صص ۲۵۹
- ۲۳- همان، عنوان گفتار چهارم و گفتار نهم
- ۲۴- عماد افروغ، چالش‌های کنونی ایران، تهران، سوزه و مهر، ۱۳۸۰، صص ۹۷
- ۲۵- همان، صص ۱۵
- ۲۶- عبدالباقی فراتی، انقلاب اسلامی، چالش‌ها و بحران‌ها، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱
- ۲۷- حمید معادی، چالش‌های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱
- ۲۸- روزنه زد، هیرش و لوک ای، ویر (گردآورنده)، چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم، به کوشش رضا یوسفیان املشی، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۱
- ۲۹- همان، دیباجه
- ۳۰- همان
- ۳۱- همان، صص «ت»
- ۳۲- همان، صص ۸۳، ۸۲
- ۳۳- همان، صص ۱۲۶ و ۱۲۹
- ۳۴- همان، صص ۲۱۱
- ۳۵- همان، مقدمه مولف
- ۳۶- همان، صص ۸۳
- ۳۷- همان، صص ۲۶۲